

تغییر ماهیت جنگ*

(Transformation Of War)

نویسنده: مارتین فان کرفلد

مرکز مطالعات نقسا

(The Art of War. War and Military

مقدمه

۶- سیاست دفاعی و امنیتی اسرائیل، ۲۰۰۵ (۲۰۰۵)
- und sicherheitspolitpolitik der Zukunft.
(Israelisch Verteidigungs
۱-۲. فصل بندی کتاب

کرفلد در این کتاب به بررسی انواع مختلف جنگ از جمله، جنگ سیاسی، جنگ تمام عیار، جنگ اتمی، جنگ کم شدت، جنگ عادلانه، جنگ مذهبی و جنگ موجودیت می پردازد و تحولات آنها را از اول تاکنون و نیز آینده آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد. وی همچنین حقوق جنگی نظامیان و غیرنظامیان، تسلیحات و پیمان نامه های جنگی، سازماندهی نیروهای مسلح به کارگیری، موانع و مشکلات آنها و تمایل انسان ها به جنگ برای رسیدن به هیجان و آرامش را به طور مفصل شرح و بسط می دهد.

فصل اول، به عنوان جنگ امروز، توضیح می دهد که چرا ارتش های بزرگ از شکست خود در برابر نیروهای ضعیف تر از خود واهمه دارند و چرا کشورهای بزرگ در تأمین امنیت شهروندان خود مشکل دارند.
فصل دوم، چه کسی جنگ می کند؟ رابطه، بین جنگ، دولت ها و همچنین یک سری سازمان های مبارز دیگر را که نه جزء ارتش ها هستند و نه دولت ها، بررسی می کند.

فصل سوم، چه مسایلی در جنگ مطرح می شود؟ درگیری های مسلحانه را از نقطه نظر اثر متقابل قدرت و حقوق نسبت به یکدیگر تحلیل می کند.

فصل چهارم، چگونه جنگ می شود؟ رهبری راهبردی در همه سطوح را بررسی می کند و راه کارهایی را به آنها ارایه می دهد.

فصل پنجم، برای چه هدفی جنگ می شود؟ اهداف گوناگون را که نیروهای مسلح در تاریخ به خاطر آن درگیر شده اند و یا می شوند را مورد نقد قرار می دهد.

فصل ششم، چرا جنگ می شود؟ تحلیلی بر عوامل جنگ بر اساس خواست غیر عقلانی اشخاص است.

فصل هفتم، جنگ فردا با توجه به دیدگاه های بیان شده، شکل های احتمالی جنگ در آینده را بررسی کرده و در مورد چگونگی آن جنگ ها

کتاب تغییر ماهیت جنگ نوشته مارتین فان کرفلد، در سال ۱۹۹۱ به زبان انگلیسی در امریکا منتشر شد و در سال ۱۹۹۸ به زبان آلمانی ترجمه و تحت عنوان آینده جنگ (Di Zukunft des Krieger) منتشر شد. جدیدترین و سومین چاپ این کتاب به زبان آلمانی با اصلاحات و اضافات، از جمله اضافه شدن فصل هفتم با عنوان جنگ فردا در سال ۲۰۰۴ انتشار یافت. این کتاب از زبان آلمانی توسط آقای عبدالله حیدری ترجمه و توسط آقای محمدجواد الوندی ویراستاری شده است و در مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی (موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی) مراحل نهایی انتشار خود را سپری می کند. گزارش حاضر حاصل جلسه ای است که با حضور مترجم و ویراستار کتاب و سایر پژوهشگران از سوی گروه مطالعات امنیت و تروریسم برگزار شد و در آن کتاب بعد از معرفی، مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

۱- معرفی کتاب

۱-۱. نویسنده

مارتین فان کرفلد در سال ۱۹۴۶ میلادی در هلند به دنیا آمد و به اتفاق والدین خود در سال ۱۹۵۰ به اسرائیل مهاجرت کرد. وی استاد تاریخ دانشگاه عبری اورشلیم و دانشگاهی فرمانده و ستاد ارتش و جنگ نیروی دریایی امریکا است. کرفلد به عنوان مشاور نظامی پنتاگون در بیشتر کشورهای اروپایی نیز فعالیت می کند و بیش از پانزده کتاب در مورد مسائل نظامی، تاریخ و راهبرد نوشته است.

مهم ترین آثار منتشره وی عبارتند از:

۱- فرماندهی در جنگ. ۱۹۸۵ (۱۹۸۵, Command in War)

۲- تدارکات جنگ. ۱۹۷۷ (Supplying War)

۳- گسترش سلاح های هسته ای و آینده مناقشات. ۱۹۹۳ (the

Nuclear Proliferation and

۱۹۹۳ Futre of cuflict)

۴- تدارکات جنگ و لجستیک از جنگ های سی ساله تا جنگ جهانی

دوم، ۲۰۰۴ (۲۰۰۴, from Wallenstein to patton,

۱۹۹۳ (Supplying War. Logistics

۵- هنر جنگ، اندیشه جنگی و نظامی، ۲۰۰۴ (۲۰۰۴, Thought,

نظریه‌هایی ارائه می‌کند. سپس نتیجه‌گیری مختصری با عنوان در آینده چه خواهد شد؟ آورده می‌شود.

۳-۱. نظریه پردازی‌های نویسنده

۱-۳-۱. رد نظریه کلاوزویتس

کرفلد می‌نویسد: هدف از نوشتن این کتاب، ایجاد یک چارچوب مفهومی غیر کلاوزویتیسی برای نظریه جنگ و نگاهی به آینده جنگ است.

کرفلد کتاب درباره جنگ کلاوزویتس را که یکی از مهم‌ترین آثار در زمینه نظریه پردازی نظامی است نقد نموده و با ذکر مثال‌های عینی از تاریخ جنگ، نظریه معروف کلاوزویتس در مورد جنگ را به چالش می‌کشد. کلاوزویتس نظریه مشهوری دارد که جنگ را ادامه سیاست با ابزار دیگری می‌داند. یکی از مهم‌ترین اهداف کرفلد در نوشتن این کتاب نقد نظریه کلاوزویتس و رد آن می‌باشد که این هدف در تک‌تک مباحث قابل مشاهده است. کرفلد در رد نظریه کلاوزویتس، جنگ‌های زیادی را نام می‌برد که فاقد اهداف سیاسی هستند. وی به جنگ موجودیت، از جمله، به جنگ الجزایری‌ها در مقابل فرانسوی‌ها اشاره می‌کند که تصمیم گرفتند در مقابل ارتش فرانسه ایستادگی کنند و به پیروزی برسند. ارتش فرانسه که برای منافع سیاسی می‌جنگید در مقابل الجزایری‌ها که از موجودیت خود دفاع می‌کردند شکست خورد. وی در ادامه این بحث از جنگ شش روزه اسرائیل و اعراب نیز به عنوان جنگ موجودیت نام می‌برد که اسرائیل خود را در محاصره اعراب دید و باریسک‌پذیری از جمله بسیج همه هوایمماهای نظامی خود به آن کشورها حمله کرد، به طوری که برای دفاع هیچ هوایممایی در پایگاه‌های اسرائیلی وجود نداشت.

۳-۱. افول جنگ متعارف و گسترش جنگ‌های کوچک یا کم

شدت

به نظر کرفلد دوران ارتش‌های بزرگ و جنگ‌های متعارف به سر آمده است و جای آن را جنگ‌های کوچک و درگیری‌های کم‌شدت خواهد گرفت. وی همچنین جنگ رسمی، یعنی جنگ مبتنی بر ملت، دولت و ارتش را که اساس تفکر کلاوزویتس می‌باشد، در حال انزوایابی می‌کند. از نظر او جنگ‌های کوچک، کشتار غیرنظامیان، جنگ‌های چریکی و تروریسم بین‌المللی از جنگ‌های جدیدی هستند که با معیار جنگ‌های کلاسیک قابل توصیف نمی‌باشند و در آینده باز هم گسترش خواهند یافت. به نظر کرفلد جنگ‌های کوچک یا جنگ‌های کم‌شدت پیمان‌نامه‌های حقوق جنگ و حقوق بین‌الملل را مراعات نکرده و تفکیکی بین نظامیان و غیرنظامیان نخواهند گذاشت. به نظر نویسنده سه چهارم ۱۶۰ جنگی که از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰ اتفاق افتاده‌اند جنگ کوچک می‌باشد. کرفلد یکی از علت‌های عدم پیروزی نیروهای متعارف بر نیروهای غیرمتعارف را

کوچک بودن آنها و نداشتن پایگاه ثابت نظامی می‌داند.

ویژگی جنگ کوچک یا درگیری کم‌شدت:

۱- جنگ کوچک بیشتر در کشورهای کمتر توسعه یافته پیش می‌آید.

۲- در جنگ کوچک یا کم‌شدت معمولاً یک نیروی رسمی مانند

ارتش با چریک‌ها، تروریست‌ها و غیرنظامیان درگیر می‌شود.

۳- در این نوع از جنگ‌ها بیشتر از سلاح‌های سبک استفاده می‌شود

و سلاح‌های بزرگ در جنگ کوچک نقشی ندارد.

۴- جنگ‌های کوچک در مقایسه با جنگ‌های رسمی خونین‌تر

هستند.

کرفلد عمر جنگ‌های کلاسیک را پایان یافته تلقی می‌کند و جنگ هشت ساله ایران و عراق را آخرین نوع آن می‌داند. وی معتقد است چنین جنگ‌هایی به تدریج کمتر و بی‌اهمیت می‌شوند. وی وجود سلاح‌های هسته‌ای، کوچک شدن ارتش‌های کشورهای جهان از لحاظ نفرات، تجهیزات و ورود زنان به ارتش‌ها را از دلایل کم‌اهمیت شدن جنگ‌های متعارف و افول آنها می‌داند.

وی می‌گوید اگر چه ۹۵ درصد دانش نظامی دنیا در کشورهای امریکا، انگلیس، فرانسه و روسیه تولید می‌شود، ولی آنها توان نظامی مقابله با جنگ‌های کوچک، از جمله تروریسم، را ندارند و در نتیجه از افول قدرت آنها صحبت می‌کند.

۳-۱-۳. شرط پیروزی در جنگ

کرفلد داشتن انگیزه سربازان را عامل اصلی پیروزی در جنگ می‌داند و معتقد است چنین انگیزه‌ای به وجود نمی‌آید، مگر اینکه نیروها احساس کنند که حق با آنها است. تا آنها چنین احساسی پیدا نکنند آماده کشته شدن در این راه نیستند و اگر چنین آمادگی وجود نداشته باشد، قوی‌ترین ارتش‌ها نیز نخواهند توانست در مقابل حریفان ضعیفی که به خاطر حق خود آماده جانفشانی هستند، به پیروزی برسند. وی شکست ارتش‌های امریکا در ویتنام، اتحاد شوروی در افغانستان و اسرائیل را در همین راستا تفسیر می‌کند.

به نظر ناپلئون و کلاوزویتس در شرایط مساوی در یک جنگ نیروی مسلح پیروز می‌شود که امکانات و نفرات بیشتری دارد، ولی کرفلد معتقد است هر چه نیرو بیشتر باشد سازماندهی و هدایت آن نیز مشکل‌تر خواهد شد. به نظر وی هر چه نیرو بزرگ‌تر باشد حرکت آن کند و اصطکاک آن بیشتر خواهد شد. نیروهای چریکی و کوچک این امکان را دارند که سریع عکس‌العمل نشان داده و اقدام کنند.

کرفلد در مورد استراتژی می‌نویسد: کاربرد استراتژی در جنگ گمراه‌سازی و فریب است. هر دو طرف در جنگ نظر خود در مورد انجام کاری را اعلام می‌کند، ولی آماده می‌شود تا کار دیگری انجام دهد. چنین

ترفندهایی ممکن است به گمراهی نیروهای خودی نیز بیانجامد. در جریان این اتفاق، سرانجام زمانی فرا می‌رسد که چیزی که به عنوان ترفند در نظر گرفته شده بود، به یک ضربه اساسی تبدیل می‌شود و چیزی که در اصل به عنوان ضربه اساسی در نظر گرفته شده بود، تبدیل به ترفندی ساده می‌شود. با گذشت زمان حقیقت و غیر حقیقت در هم آمیخته می‌شود. وقتی که اهداف واقعی حتی از افراد خودی نیز پنهان نگه داشته می‌شود، یکی از رقبا یا هر دو، دیگر نمی‌داند که چه چیزی درست و چه چیز غلط است.

وی در مورد استراتژی سازماندهی نیروی مسلح می‌نویسد:

نیروهای مسلح باید به هر اندازه که ممکن است بزرگ باشد؛ ولی این بزرگی نباید مانع اختفای آن بشود. همچنین باید خیلی قوی باشد؛ ولی نه آن قدر که نتواند اهداف حملات خود را عوض کند. نیروی مسلح باید همه امکانات خود را در یک نقطه متمرکز کند؛ ولی باید در وضعیتی باشد که بتواند آنها را سریع پراکنده و از نقطه‌ای به نقطه دیگر انتقال دهد. نیرو باید به اندازه کافی آزمایش شده باشد که یک عملیات را همواره با حداقل خسارت و اصطکاک اجرا کند؛ ولی آموزش نباید تا جایی ادامه یابد که خلاقیت فردی از بین رفته و نیروی مسلح در مقابل اتفاقات غیر منتظره مستأصل شود.

۳-۴-۱. رونق گرفتن جنگ مذهبی

کرفلد در مباحث خود در مورد جنگ مذهبی، وقوع آن را از زمان قوم یهود تا اواخر قرن هفدهم که با انعقاد صلح وستفالی به پایان رسید بررسی کرده و می‌نویسد جنگ مذهبی پس از سه قرن با پیروزی انقلاب اسلامی دوباره زنده شد. وی با اشاره به وجود گروه‌های انتحاری در مسلمانان به کشورهای غربی هشدار می‌دهد که آنها طبیعت جهاد را نشناخته‌اند و ممکن است قربانی آن شوند.

۳-۴-۱. جنگ اتمی

کرفلد ساخت سلاح‌های اتمی را مقرون به صرفه نمی‌داند و علت صرف نظر کردن بسیاری از کشورها از ساخت سلاح اتمی را همین امر می‌داند. وی می‌نویسد چین با وجود داشتن سلاح اتمی، نتوانسته تایوان را دوباره به کنترل خود درآورد. چین حتی در وضعیتی نبود که بتواند همسایه خود یعنی ویتنام را که کشوری دارای قدرت نظامی فوق‌العاده ضعیفی نسبت به خودش است را تنبیه کند. بمب اتم نتوانسته آشکارا به هند کمک کند تا مشکل جدایی طلبی تامیل‌ها در سریلانکا را حل کند و یا کشمیر را دوباره به خاک خود الحاق نماید.

وی می‌نویسد ابرقدرت‌ها شک دارند که آیا وجهه آنها به واسطه داشتن زرادخانه‌های عظیم اتمی است یا نه. با این وجود به نظر می‌رسد آنها به سختی بتوانند از این موقعیت برای به دست آوردن منافع سیاسی

چشم‌گیر استفاده کنند. البته آنها بعدها متوجه شدند که سلاح اتمی در مذاکره با کشورهایی که چنین سلاح‌هایی ندارند، منافعی به همراه ندارد. به نظر کرفلد تأثیر سیاسی سلاح اتمی خیلی کم بوده است؛ زیرا تا امروز هیچ کس طرحی قانع کننده ارایه نکرده است که چگونه یک جنگ اتمی، بدون آنکه تمام دنیا را با خاک یکسان کند، به وقوع خواهد پیوست.

وی در ادامه می‌نویسد: در پنجاه سال اخیر، جزء به کارگیری واقعی بمب اتم، هیچ یک از قدرت‌های اتمی نتوانسته یک بار هم که شده با تهدید استفاده از سلاح اتمی وضعیت موجود را تغییر دهد. اگر بتوان از تأثیر سیاسی سلاح اتمی سخن گفت، می‌توان ادعا کرد که سلاح اتمی فقط دشمن را مجبور به اتخاذ مشی محتاطانه می‌کند و باعث تثبیت مرزهای موجود می‌شود. پشت این قضیه این واقعیت پنهان شده که تا امروز هیچ کس به این موضوع نپرداخته است که جنگ اتمی بدون خطر نابودی جهان چگونه به وقوع خواهد پیوست؟ واقعیت این است که سلاح اتمی ابزار کشتار جمعی است و در مقابل آن هیچ دفاعی قابل تصور نیست. تهدید ترومن رئیس‌جمهور امریکا مبنی بر استفاده از بمب اتم موجب عقب‌نشینی استالین نشد و بعد نیز نتوانست از نفوذ اتحاد شوروی در اروپای شرقی بکاهد. همچنین نتوانست از افتادن چین به دست کمونیست‌ها جلوگیری کند.

با وجود اظهارات بالا، کرفلد نقش بازدارندگی سلاح اتمی را تأیید می‌کند و می‌نویسد، اگر عراق چند کلاهک اتمی داشت امریکا جرأت حمله به عراق را نداشت و عربستان سعودی نیز پایگاه‌های خود را در اختیار امریکا نمی‌گذاشت.

۳-۴-۱. گسترش جنگ‌های کوچک در آینده

به نظر کرفلد جنگ آینده، جنگی بی‌قاعده خارج از کنترل سیاسی و بدون جبهه‌ای مشخص خواهد بود. وی جنگ آینده را متعلل به جنگ کم‌شدت می‌داند که اگر از آن جلوگیری نشود ممکن است درازمدت جای دولت را نیز بگیرد.

وی در مورد آینده جنگ متعارف می‌نویسد:

جنگ متعارف مراحل پایانی حیات خود را سپری می‌کند. در حالی که درگیری کم‌شدت تقدم پیدا می‌کند، بسیاری از روش‌ها که در دو قرن اخیر به عنوان راهبرد محسوب می‌شد، غیر ضرور تشخیص داده می‌شود. با سوق پیدا کردن جنگ متعارف به درگیری کم‌شدت، بسیاری از سامانه‌های تسلیحاتی امروز، به ویژه قوی‌ترین و پیشرفته‌ترین آنها، به گورستان خودروهای قراضه ریخته خواهد شد. به احتمال زیاد توسعه تحقیقات صنایع نظامی به مفهوم امروزی نیز رها خواهد شد.

کرفلد همچنین این پرسش را که انسان‌ها در آینده برای چه اهدافی خواهند جنگید، بی‌معنا می‌داند، زیرا به نظر وی انسان‌ها علاوه بر اهداف

جنگی که دارند، دنبال بهانه هستند تا بتوانند توانایی‌های خود از قبل شجاعت، خشونت و بی‌ملاحظگی را به نمایش بگذارند و به لذت، شور، هیجان و سرگرمی برسند.

وی می‌نویسد: اگر بخواهیم چشمان خود را باز کنیم، خواهیم دید که در جلوی چشمان ما انقلابی شروع شده است. همان طور که هیچ شهروند رومی از حملات بربرها در امان نبود، الان نیز در بخش اعظم دنیا هیچ مردزن یا کودکی از وقوع شکل جدیدی از جنگ‌ها در امان نخواهد بود. حتی در امن‌ترین جوامع، شهروندان باید منتظر باشند که قدم تعقیب و بازرسی شوند. ویژگی واحدهای درگیر جنگ و پیمان‌نامه‌های مربوط به آن و اهداف جنگ دستخوش تغییر خواهد شد. خود جنگ مثل همیشه تداوم خواهد داشت. در نتیجه، مثل قدیم جوامعی که به واقعیت‌ها بی‌توجهی کرده و برای حفظ موجودیت خود مبارزه نمی‌کنند، از بین خواهند رفت.

۲- نقد و بررسی کتاب

بدون شک کتاب کرفلد را می‌توان، صرف نظر از نظریه‌پردازی‌های جدید، با توجه به گستره موضوعات آن به عنوان دایره‌المعارف جنگ محسوب کرد. با توجه به اینکه نظریه کلاوزویتس در دانشگاه‌ها و مراکز نظامی کشورمان نیز به عنوان یک اثر کلاسیک شناخته شده است، نظرات کرفلد برای صاحب‌نظران سیاسی، نظامی و نظامیان کشورمان قابل تأمل خواهد بود تا با دید منتقدانه‌ای به نظریه‌پردازی نظامی کلاوزویتس و نظرات جدید کرفلد بپردازند.

کتاب کرفلد پر از ایده و نظرات است که می‌تواند بحث‌های جدید و گسترده‌ای را در مورد نظامی‌گری، سیاست و جنگ به همراه داشته باشد. کرفلد سعی می‌کند جوهر اصلی جنگ را از نو تعریف و نظریه جدیدی را که بر خلاف نظریه کلاوزویتس و متناسب با وضعیت امروزی است به کرسی بنشاند و خود را به عنوان نظریه‌پرداز جدید نظامی در مقابل کلاوزویتس مطرح نماید.

کتاب تغییر ماهیت جنگ از دو جنبه کلی حایز اهمیت است. یکی ارائه ادبیات جدید نظامی با دیدگاهی تازه نسبت به سایر منافع موجود. دیگر ارائه یک الگوی مطالعاتی جدید در غرب و تأثیرگذاری آن بر دیدگاه‌های نظامی غربیان در تحلیل و تدوین استراتژی‌های نظامی در قرن بیست و یکم. ممکن است تأثیر این کتاب سال‌ها بعد در مراکز نظامی، استراتژیک و اندیشه‌ها و نظریه‌های نظامی ظاهر شود اما این کتاب به دلیل ارائه ادبیات نوین و طرح ایده‌های قابل توجه برای مطالعه، تحقیق و گسترش پژوهش‌های عمیق علمی در این زمینه برای کارشناسان و صاحب‌نظران حایز اهمیت است.

به طور کلی در خصوص کتاب کرفلد دو دیدگاه کلی بیان می‌شود.

دیدگاه اول بر آن است که این اثر از منظر قدرت تبیین، ارائه چارچوبی جدید برای مطالعه جنگ با توجه به واقعیت‌های جدید نظام بین‌الملل و پیش‌بینی آینده تحولات عرصه نظامی و جنگ کتابی در خور توجه و حایز اهمیت است.

توجه به عناصر و محورهای اصلی دیدگاه کرفلد نشان می‌دهد که نظریه وی می‌تواند بخش عمده‌ای از تحولات نظامی و امنیتی سال‌های اخیر در منطقه خاورمیانه را تبیین کند. ناکامی نیروهای امریکایی و استراتژی‌های آن در عراق و افغانستان و همچنین ناکامی نیروهای اسرائیلی در مقابل نیروهای مقاومت جنبش حزب‌الله همگی حاکی از ناکارآمدی ارتش‌های بزرگ و مسلح در جنگ‌های کم‌شدت و نامتقارن جدید است و اینها واقعیتی است که کرفلد بر آنها تأکید و به اهمیت بیشتر این مؤلفه‌ها در آینده نیز اشاره می‌کند.

توجه به تحلیل‌ها و عناصر نظری کرفلد در خصوص تغییر تدریجی ماهیت جنگ و در نتیجه بازاندیشی در استراتژی و نحوه‌سازماندهی و نبرد نیروهای نظامی در تقویت نگرش‌های آینده‌نگر و در نتیجه شفاف‌تر ساختن گزینه‌ها و احتمالات عرصه نظامی می‌تواند به پژوهشگران و برنامه‌ریزان نیروهای نظامی - امنیتی از یک سو و گروه‌ها و جنبش‌های اسلامی از سوی دیگر کمک کند.

دیدگاه دوم با گذر از عناصر نظری و تبیینی کتاب کرفلد بیشتر به اهداف و پیامدهای عملی نظریه‌پردازی وی توجه دارد. بر اساس این دیدگاه کتاب تغییر ماهیت جنگ بیشتر در راستای اهداف نظامی و جهانی غرب می‌باشد به همین لحاظ رویکرد راهبردی غرب در آینده در مسیری خواهد بود که از طریق یافته‌های تکمیلی ایده‌های این کتاب به دست می‌آید.

کرفلد تعریف جدیدی از جنگ و رویارویی نظامی ارائه می‌دهد که در قرن بیست و یکم، جهان به دلایل مختلف و متعددی با آن روبه‌رو خواهد بود، به همین دلیل می‌تواند مرکز ثقل راهبردهای تروریستی غرب و مقابله آنها با نهضت‌های آزادی‌بخش و اسلامی در جهان قرار گیرد.

بر اساس دیدگاه دوم، گسترش نظامی غرب در جهان می‌تواند با توجه به یافته‌های تحقیقات مشابه در سطوح مختلف دانشگاهی، بین‌المللی و راهبردی توجیه شود و این‌گونه تحقیقات می‌تواند زمینه‌ساز نظریه‌پردازی‌های سلسله‌جویانه و استیلاطلبانه امریکایی واقع شود. این کتاب با ارائه دیدگاه‌های مختلف در محدوده جغرافیای، سیاسی، فرهنگی، انسانی و اجتماعی توانسته است دنیای تیره و تاری را در آینده ترسیم نماید که بی‌نظمی و هرج و مرج کامل و ناامیدی از ایجاد امنیت توسط دولت‌ها ویژگی آن است و بنابراین می‌تواند اساس و مبنای برنامه‌ریزی‌های استراتژیک غرب قرار گیرد.

Carl von Clausewitz - Vom Kriege